

مساعدت به برنجکاران داخلی



جمیل علیزاده شایق
دبیر انجمن برنج کشور

است و هم مصرف‌کننده ایرانی که ذائقه‌اش با برنج‌های وارداتی هرگز سر آشتی ندارد. راستی! تصور نشود مصرف‌کننده ایرانی به رغبت به دنبال خرید برنج‌های وارداتی ارزان می‌رود. هرگز! این بودجه ضعیف خانوار است که به او اجازه مصرف برنج گران ایرانی را نمی‌دهد. پس به کمک هر دو قشر بشتابیم.

اما به شرط‌ها و شروطها. حمایت باید از آنانی باشد که ارقام محلی با عملکرد پایین می‌کارند. در استان‌های شمالی و در مناطقی که جز با برنج عجین نیست می‌کارند.

در مصرف نهاده‌ها صرفه‌جویی می‌کنند. در کاهش هزینه تولید تلاش دارند و در یک کلام، با سیاست‌های صحیح بخش کشاورزی هم سوهستند.

برنج‌های آنان را با نرخ تمام شده و سودی عادلانه از آنان بخریم و با یارانه‌ای که می‌دهیم، با قیمتی نازل و نه بسیار مفت به مصرف‌کننده بدهیم. بر برنج‌های وارداتی تعرفه ببندیم. و خلاصه ترتیبی بدهیم که قیمت برنج‌های مشابه داخلی و خارجی یکسان شوند. البته، این کار به این سهولت هم نیست، نشود بالای گندم و نان به سرمان بیاید. آن قدر سوسپسیده نانوایان دادیم که دیگر هیچ روستایی حاضر نیست در روستا نان بپزد. و خود روستایی گندمکار، مصرف‌کننده بربری و سنگک و لوش و تافتون شهری شده. این کار یک مطالعه‌ی دقیق می‌خواهد. ببینیم کره و ژاپن چه کرده‌اند که موفق شده‌اند. بی‌گدار به آب نزنیم. ولی راه فعلی را نیز ادامه ندهیم. فروش برنج کیلویی ۳۰۰ تومانی در مهر ماه که اوج فصل عرضه برنج داخلی به بازار است را نمی‌توان حمایت از مصرف‌کننده دانست و بس. و حمایت وزارت جهاد کشاورزی از این حرکت وزارت بازرگانی را چه بنامیم؟ آیا این وزارتخانه که تجربه یک

ادغام را پشت سر گذاشته، این بار در وزارت بازرگانی ادغام شده و فراموش کرده که در مرحله اول باید حامی تولیدکننده باشد؟

حالا اقبال بیشتری به واردات نشان می‌دهند تا به تولید داخلی.

اعلام عرضه برنج‌های خارجی با نرخ ۳۰۰۰ ریال در هر کیلوگرم در ماه مبارک رمضان از جمله این موارد است.

بخش بازرگانی با دست و دل بازی بسیار، به واردات بیش از دو برابر نیاز داخلی همت!! گماشته است و با افتخار اعلام می‌کند در سال جاری ۶۵۰ هزار تن برنج وارد کشور خواهد کرد. و ایایی ندارد که این خبر را در اوج زمان تولید داخلی در بوق و کرنا کند.

معاون وزیر بازرگانی بر صفحه عریض تلویزیون، خوشحال است که با اعلام این خبر، تنها مصرف‌کننده را خوشحال سازد. آن هم یک شادی کاذب کوتاه‌مدت و فراموش می‌کند که بیش از یک میلیون بهره‌بردار در سراسر کشور به تولید برنج پرداخته‌اند و اگر خانواده‌های آنان نیز در این جمع محاسبه شوند، شاید رنجش خاطر حدود پنج میلیون نفر را فراهم ساخته است و برنجکار، بی‌گناه و ناخواسته محکوم می‌شود به اجرای این حکم.

چاره چیست؟

ببینیم دیگران چه کرده‌اند؟ کره جنوبی و ژاپن از جمله کشورهایی هستند که برنج گران تولید می‌کنند. تولید برنجشان هم کافی نیست. اجازه ورود برنج هم می‌دهند - البته نه با دست و دل بازی - چرا که ایرانی‌ها متصف به صفت دست دل بازی هستند. و اما آنچه ژاپن و کره کرده‌اند، حمایت از تولیدکننده داخلی است.

پرداخت یارانه به برنجکار

پرداخت یارانه به برنجکارانی که در مناطق مستعد، به برنجکاری مبادرت می‌ورزند از جمله این راهکارهاست. در واقع بستر اصلی و محدود تولید برنج گران در کشور دو استان مازندران و گیلان است.

اگر بتوانیم برنجکاران این دو استان را تا وقتی برنج گران تولید می‌کنند (بدون اینکه خودشان مقصر باشند) حمایت کنیم، هم تولیدکننده راضی

پرداخت یارانه به برنج‌های ارقام محلی خوش کیفیت داخلی، هم حمایت از تولیدکننده است و هم مصرف‌کننده.

در حال حاضر یکی از پر هزینه‌ترین فعالیت‌های بخش کشاورزی در ایران، برنجکاری است و طبیعی است که با جایگزینی ماشین به جای انسان، می‌توان این هزینه را کاهش داد. تسطیح، تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی که بستر را برای مکانیزه کردن کشت مهیا می‌سازد.

ضمن این که راه‌های دیگری نیز مانند توسعه کشت ارقام پرمحصول و برنج هیبرید برای بالا بردن متوسط عملکرد وجود دارد.

به هر حال، مسوولین دولتی باید تلاش کنند تا به کاهش هزینه تولید برنج دست یابند. این، کاری نیست که بر عهده کشاورز قرار گیرد. موانع بسیاری در انجام امور فوق وجود دارد که صرفاً به مسوولیت دولت برمی‌گردد.

ولی البته کشاورزان نیز باید آموزش لازم را ببینند که در کاهش هزینه تولید، در کنار دولتی‌ها باشند.

توسعه آموزش و ارتقای دانش برنجکاران

از جمله اموری که باید مورد توجه قرار گیرد توسعه آموزش و ارتقای دانش برنجکاران است. متأسفانه چند سالی است که فعالیت‌های ترویجی به شعار تبدیل شده و تمام وقت همکاران ترویجی به بازاری، بازرگری، دوباره‌سازی و بازاری‌های تشکیلاتی صرف می‌شود و می‌گذرد و می‌توان گفت که عملاً در خصوص لزوم کاهش هزینه‌ی تولید و نحوه آن آموزش نمی‌بینند. ضمن اینکه باید توجه داشت ترویج کشاورزی جز در سال‌های میانی دهه ۷۰ هرگز به مسایل اقتصادی بخش کشاورزی نپرداخته و وارد حیطه آن نشده است.

رقابت نابرابر

ورود جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی اجتناب‌ناپذیر است. رقابت سختی در پیش است. نه تنها برای برنجکاران بلکه برای همه کشاورزان، رقابت با برنج‌های ۳۰۰ - ۲۵۰ و در نهایت ۸۰۰ دلاری در هر تن برای برنجکار ایرانی غیر ممکن است. به نظر می‌رسد بخشی از بدنه دولت از همین

